

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال نهم، شماره یازدهم
بهار و تابستان ۹۸
صفحات ۶۳-۸۸

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین*

سیدمحمدفریدین جلالی**

بهنام بهاری***

چکیده

یکی از مهم‌ترین آیات قرآن مجید آیه‌ی شریفه‌ی تطهیر می‌باشد. شیعه به صورت اجماع و با تکیه بر روایاتی که از طرق گوناگون وارد شده اعتقاد دارد که آیه تطهیر در باره پنج تن آل عبا (اصحاب کساء) نازل شده است؛ حتی امّ سلمه و عایشه که خود شاهد بر نزول آیه بوده و امید داشته‌اند که مشمول این آیه باشند بر دلالت آن فقط بر پنج تن تصریح کرده‌اند، افزون بر اینها، دانشمندان بزرگ اهل تسنن نیز بر اساس روایات یادشده، معتقد به نزول آیه تطهیر در شأن آل کسا شده یا بدان اعتراف کرده‌اند. با این حال، معدودی از افراد، با نظرات شخصی خود، کوشیده‌اند تا این آیه را یا فقط به زنان پیامبر (ص) اختصاص دهند و یا علاوه بر پنج تن، همسران آن حضرت را نیز مشمول آن بدانند. گروهی نیز دامنه مشمول آن را گسترده‌تر دانسته و عموم خاندان پیامبر (ص) را در زمره اهل بیت شمرده‌اند. بدیهی است که اجتهاد شخصی آنان در مقابل نصوص و روایات معتبر باطل و مردود است. سیاق آیه نیز حکایت از اراده تکوینی خداوند بر زدودن آلودگی‌ها از اهل بیت دارد.

کلیدواژه‌ها: آیه تطهیر، اهل بیت (ع)، عصمت، روایات، شیعه، اهل سنت، اصحاب کساء.

مقدمه

آیاتی که در فضیلت و منقبت اهل بیت عصمت و طهارت در قرآن کریم نازل شده، بیش از آن است که در چند مجلد کتاب گرد آید؛ به اعتراف دانشمندان اسلامی، حدود بیش از سیصد آیه در شأن اهل بیت نازل شده است. خطیب بغدادی از اسماعیل بن جعفر (راوی موثق) از ابن عباس نقل کرده است: در قرآن، سیصد آیه در باره علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است (خطیب بغدادی، بی تا: ۲۲۱/۶). ابن حجر هیثمی (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۶۱) و شبلینجی (شبلینجی، بی تا: ۷۳) از ابن عساکر از ابن عباس، موضوع نزول سیصد آیه درباره علی (ع) را نقل کرده اند (جعفری، ۱۳۶۲ش: ۱/۱۹۶). علامه مظفر می گوید: آیات نازله در فضیلت اهل بیت (ع) اگر در کتب امامیه، احصاء شود، بیش از سیصد آیه خواهد بود (مظفر، ۱۳۹۶ق: ۲/۳۳۱ - ۳۴۵). ما از این میان فقط به آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». (سوره احزاب/۳۳) که بیشترین ارتباط را با اهل بیت (ع) دارد، می پردازیم و آراء و اقوال مفسرین بزرگ اهل سنت را در تفاسیر مهم آنان بررسی می نماییم.

پیشینه تحقیق

اهمیت آیه تطهیر، موجب شده است تا آثار فراوانی درباره آن تألیف گردد. این آثار را می توان به سه دسته تقسیم نمود: دسته نخست، تفاسیر روایی است که روایات شأن نزول را در ذیل آیه ذکر کرده اند؛ آثاری مانند: تفسیر حبری، از حسین بن حکم حبری کوفی (م ۲۸۶ق)؛ تفسیر فرات کوفی، از فرات بن ابراهیم کوفی (م ۳۰۷ق)

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۶۵

و تفسیر قمی، از علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷ق) جزء این دسته محسوب می‌شود. دسته دوم آثاری است که در آن، اهم آیات مربوط به اهل بیت، و از جمله آیه‌ی تطهیر جمع‌آوری، و مورد بررسی قرار گرفته است، کتاب‌هایی مانند: ما نزل من القرآن فی اهل البیت، ابن جحّام (م ۳۳۲ق)؛ الآیات الباهرة فی العترة الطاهرة، سید مرتضی (م ۴۳۶ق)؛ شواهد التزیل، از حاکم حسکانی (م ۵۰۶ق)؛ خصائص الوحي المبين، ابن بطریق (م ۶۰۰ق)؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق)؛ فنج الحق و كشف الصدق، علامه حلی (م ۷۲۶ق)، احقاق الحق، شوشتری (م ۱۰۱۹ق) و نفحات الازهار فی خلاصة عقبات الانوار فی مناقب الائمة الاطهار، بخش آیات، حسینی میلانی جزء این دسته به شمار می‌آید. دسته سوم تک‌نگاشته‌هایی است که اختصاص به آیه‌ی تطهیر دارد، مانند: السحاب المطیر فی تفسیر آیه‌ی التطهیر، نورالدین شریف حسینی مرعشی (م ۱۰۱۹ق)؛ تطهیر التطهیر، محمد بن حسن فاضل هندی (م ۱۱۳۵ق)؛ آیه‌ التّطهیر ...، محمد فاضل لنکرانی و شهاب‌الدین اشراقی؛ آیه‌ التّطهیر، سیدعلی حسینی میلانی؛ آیه‌ التّطهیر، محمدمهدی آصفی؛ آیه‌ التّطهیر فی احادیث الفریقین، سیدعلی موحد ابطحی؛ اهل البیت فی آیه‌ التّطهیر، سیدجعفر مرتضی عاملی؛ و ...

در این گفتار، پس از اشاره به مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره شأن نزول آیه تطهیر، روایات شأن نزول این جمله گزارش می‌شود. پس از آن، ضمن ارزیابی گزارش‌های تعمیم آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر، اشکال‌های آن مطرح می‌گردد. در پایان نیز مهم‌ترین روایت در زمینه تخصیص این جمله به همسران پیامبر (روایت عکرمه از ابن عباس) نقد و ارزیابی می‌شود.

۱- دیدگاه‌های فریقین درباره شأن نزول آیه تطهیر

دانشمندان و مفسران فریقین درباره شأن نزول آیه تطهیر و کیستی اهل بیت، دیدگاه‌هایی گوناگون مطرح کرده‌اند؛ از جمله آل کسا، همسران پیامبر و بنی‌هاشم (شوکانی، بی تا: ۴، ۲۷۸-۲۸۰). با صرف نظر از نظرات شاذ، سه نظر درباره کیستی اهل بیت در آیه، بیشترین طرف دار را دارد:

۱. تنها پنج تن آل کسا؛ ۲. تنها همسران پیامبر؛ ۳. همسران پیامبر و آل کسا. یکی از بهترین طرق راهیابی به حقیقت در این زمینه، بازخوانی روایات مرتبط با این آیه است. نظر به اینکه آیات قرآن در مناسبت‌های مختلف و متناسب با مقتضیات گوناگون نازل شده‌اند، بازگشت به گزارش‌های تاریخی و بازخوانی روایت‌های مرتبط به آیات، از جمله راه‌های دستیابی به مراد الهی از آیات قرآن است؛ به ویژه آیاتی که ناظر به افراد یا جریانی ویژه‌اند. بنابراین بررسی گزارش‌های روایی و بحث‌های تاریخی این آیه در عصر نزول می‌تواند قرینه‌ای بر شناخت شأن نزول آن باشد.

۲- روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر

از میان سه احتمال یادشده، بیشترین روایات ناظر به احتمال اول‌اند. افزون بر پیامبر صلی الله علیه واله و امیر مؤمنان علیه السلام، از ابن عباس، ابوسعید خدری، انس بن مالک، سعد بن ابی وقاص، ام سلمه، عایشه، زینب بنت جحش و جمعی دیگر از صحابه، روایت شده که این آیه در شأن پنج تن آل عبا (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) نازل شده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۷-۵/۲۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۴۲/۸ و ۴۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱۸/۲-۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸/۵ و ۱۹۹).

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۶۷

راویان این شأن نزول را تا ۴۹ تن از صحابی و همسران پیامبر برشمرده‌اند (سبحانی، بی‌تا؛ ۱۵۴/۱۰). برای نمونه ابوجعفر طبری از اعمش، و او از عطیه، و او از ابوسعید خدری، و او از پیامبر صلی الله علیه واله چنین نقل می‌کند: این آیه درباره پنج نفر نازل شده است: من، علی، حسن، حسین و فاطمه (طبری، ۱۴۱۲ق: ۵/۲۲). آیه تطهیر محور حدیث کسا قرار گرفته است. این حدیث از پرسندترین روایات است که به حد تواتر می‌رسد. حدیث کسا در کتاب‌های معتبر روایی اهل سنت و شیعه گزارش شده است که در این زمینه می‌توان به صحاح و مسانید اهل سنت و صحاح شیعه و نیز تفسیرهای معتبر شیعه و اهل سنت اشاره کرد (برای نمونه، رک: نیشابوری، بی‌تا؛ ۱۳۰/۲ و ۱۳۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق: ۳۰/۷-۳۱ و ۳۲۹؛ ابن حنبل، بی‌تا؛ ۳۳۱/۱؛ ۱۰۷/۴ و ۲۹۲/۶؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۴۲/۸-۴۳؛ قمی، ۱۳۶۷ش: ۱۹۳/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۷/۱).

ابوسعید خدری، انس بن مالک، سعد بن ابی وقاص، عایشه، ام سلمه و بسیاری از صحابه تراز نخست این حدیث را گزارش کرده‌اند. برای نمونه طبری آن را به شانزده طریق، از ده صحابی بزرگ نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۵-۷). همسران پیامبر نیز جریان این حدیث و نزول آیه تطهیر در شأن پنج تن آل کسا را گزارش کرده‌اند. از جمله عایشه می‌گوید:

«در صبحگاهی، رسول الله صلی الله علیه واله در حالی که بر دوش او عبایی مشکی بود، خارج شد. حسن آمد. پس او را داخل آورد. سپس حسین آمد و با او داخل شد. سپس فاطمه آمد؛ او را داخل آورد. سپس علی آمد، او را داخل آورد. آن گاه گفت: *إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيَطْهَرَ كُمْ تَطْهِيرًا*» (احزاب / ۳۳) (ابن حنبل، ۱۴۲۵ق: ۱۸۳؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۳۴).

در روایتی دیگر، گزارش شده است که از عایشه درباره امیر مؤمنان علیه السلام پرسیدند. وی گفت:

«درباره محبوب‌ترین شخص نزد پیغمبر از من می‌پرسی؟ و از همسر محبوب‌ترین شخص نزد پیغمبر از من می‌پرسی؟ من دیدم رسول الله علی، فاطمه، حسن و حسین را زیر یک پارچه جمع کرد، سپس گفت: پروردگارا اینان خاندان و نزدیکان خاص من هستند. پس آلودگی را از آنها دور گردان و آنان را به نیکی، پاک گردان» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۸/ ۴۲-۴۳).

نمونه دیگر روایات این باب، روایت زینب بنت جحش است. اسماعیل بن عبدالله بن جعفر طیار از پدرش نقل می‌کند:

«هنگامی که پیامبر دریافت که رحمت از آسمان در حال ریزش است، گفت: کیست که بخواند کسانی را که من می‌خواهم آنها اینجا باشند؟ و این جمله را دو بار تکرار کرد. زینب گفت: ای رسول خدا، من [آنها را فرا می‌خوانم]. پیامبر گفت: علی، فاطمه، حسن و حسین را نزد من بیاور. حسن را در سمت راست، حسین را در سمت چپ و علی و فاطمه را جلوی من نشانده؛ سپس پوششی از پارچه خیبری روی آنها کشید و فرمود: اللَّهُمَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلٍ، وَهُؤُلَاءِ أَهْلِي؛ پروردگارا، هر پیامبری اهلی دارد و اینان اهل من هستند. آن‌گاه خداوند چنین نازل کرد: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». زینب پرسید: ای پیامبر، آیا من همراه شما داخل نشوم؟ پیامبر فرمود: همان‌جا بایست که همانا اگر خدا بخواهد در خیر هستی» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۸/ ۴۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/ ۵۴).

این دسته روایات به قدری فراوانند که گاه واژه کثیر (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱۸/۲)، گاه کثیر بی‌شمار (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۴۴۹) و گاه متواتر (معرفت،

۱۳۸۸ش: ۱۱۰) برایشان به کار رفته است. طبری و سیوطی، دو مفسر معتبر اهل تسنن، روایات مربوط به نزول آیه در شأن آل کسا را با طرق گوناگون از صحابه بزرگ و همسران پیامبر نقل کرده‌اند؛ از جمله از ابوسعید خدری، وائله بن اسقع، سعد بن ابی وقاص، ابوحمراء (هلال بن حارث)، ابوهریره الدوسی، انس بن مالک، عایشه و ام سلمه (طبری، ۱۴۱۲ق: ۷-۵/۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸/۵-۱۹۹).

همچنین ترمذی درباره آیه تطهیر و تطبیق آن بر آل کسا از ام سلمه و انس بن مالک و عمر بن ابی سلمه (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ۳۱-۳۰/۴؛ ۳۲۸/۵) و در زمینه معرفی اهل بیت از نظر پیامبر، از سعد بن ابی وقاص (همان: ۲۹۳) روایت کرده است. مسلم نیز در این زمینه از صحابه و همسران پیامبر روایت دارد (نیشابوری، بی تا: ۱۲۳/۷ و ۱۳۰).

سند این روایات نیز نزد بزرگان اهل تسنن صحیح و معتبر است. برای نمونه، ترمذی روایتی را از ام سلمه نقل می‌کند که پیامبر حسن و حسین و فاطمه و علی را زیر کسا برد و آنان را اهل بیت خود خواند و اجازه ورود به ام سلمه را نداد. ترمذی پس از نقل این روایت می‌نویسد: این حدیثی حسن و صحیح است و برترین روایتی است که در این باب نقل شده است. در این باب از انس و عمر بن ابی سلمه و ابوحمرا نیز روایت وجود دارد (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ۳۶۱/۵).

محدثان و مفسران شیعه نیز این شأن نزول را از طریق معتبر و صحیح نقل کرده‌اند؛ از جمله کلینی با صحیح متصل و مسند از علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی از یونس و علی بن محمد از سهل بن زیاد ابی سعید از محمد بن عیسی از یونس از ابن مسکان از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است خداوند در کتابش فرمود: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا»؛ و پیامبر علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام را زیر کسا برد و گفت: خدایا، هر

پیامبر را اهل و ثقلی است و اینان اهل بیت من و ثقل من هستند. ام سلمه پرسید: آیا من از اهل تو نیستم؟ پیامبر فرمود: تو بر خیر هستی و لکن اینان اهل و ثقل من هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۶/۱-۲۸۷).

مجلسی نیز ۳۴ روایت درباره تخصیص آیه تطهیر به آل کسا، از طرق معتبر شیعه و چهار طریق معتبر نزد اهل تسنن نقل می‌کند و می‌گوید: اینها افزون بر یازده طریق معتبر دیگر نزد اهل تسنن است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۰۶/۳۵-۲۲۷). وی در ادامه در رد ادعای نزول آیه در شأن همسران پیامبر به بیش از بیست روایت اشاره می‌کند (همان: ۲۲۸-۲۳۰).

افزون بر اینها، دانشمندان بزرگ اهل تسنن براساس روایات یادشده، معتقد به نزول آیه تطهیر در شأن آل کسا شده‌اند یا بدان اعتراف کرده‌اند. ابن حجر هیثمی می‌گوید: «اکثر مفسران بر آن اند که آیه تطهیر در شأن آل کسا نازل شده است» (هیثمی، ۱۹۶۵م: ۱۴۳). ابن کثیر و فخر رازی نیز خطاب آیه تطهیر نسبت به خصوص همسران پیامبر را رد کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۶۵/۶؛ رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۶۸/۲۵). همچنین طبری در تفسیر روایی خود از ابوسعید خدری، انس بن مالک، ابوالحمراء ابواسحاق، وائله بن اسقع، ابوهریره، عمر بن ابی سلمه، علی بن حسین علیه‌السلام، عایشه و ام سلمه روایت می‌کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، خصوص پنج تن هستند و چینش این روایات در تفسیر طبری، خود قرینه‌ای بر دیدگاه وی در این زمینه است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۷-۵/۲۲).

در مقابل این کثرت و تضافر روایات، گزارش‌های معدودی درباره شمول آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر یا نزول آن در خصوص همسران پیامبر نقل شده است. طبری در تفسیرش، پس از آنکه چندین صفحه متوالی را به روایات نزول آیه

در خصوص آل کسا اختصاص می‌دهد، به تک گزارشی اشاره می‌کند و از آن می‌گذرد. وی از اصبع بن نباته نقل می‌کند که عکرمه در بازار ندا سر می‌داد که این آیه درباره همسران پیامبر است و اگر کسی بخواهد، برای او این مطلب را اثبات می‌کنم (همان: ۷).

۳- نقد گزارش‌های تعمیم یا تخصیص آیه نسبت به همسران پیامبر

گزارش‌هایی درباره تعمیم آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر نقل شده که با چند مشکل رو به رویند:

۳-۱. قرار گرفتن در برابر کثرت روایات مخالف

در برابر روایات متضافر یا متواتر یادشده، گزارش‌های مربوط به تطبیق آیه تطهیر بر همسران پیامبر به ده روایت نیز نمی‌رسند که از نظر اعتبار، توانایی رویارویی با روایات دیگر را ندارند. این حقیقت به حدی آشکار است که طرف‌داران نظریه همسران پیامبر را نیز ناچار به نقل روایات مربوط به آل کسا کرده است. برای نمونه سیوطی در تفسیر روایی خود (که آن را با هدف گردآوری روایات تفسیری تدوین کرده) معتقد است که آیه تطهیر ناظر به همسران پیامبر است. او در این باره سه گزارشی استناد می‌کند، اما خود وی بیش از چهار برابر این تعداد، درباره نزول آیه تطهیر در حق خصوص خانواده امیر مؤمنان روایت می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸/۵-۱۹۹).

این مسئله درباره خود راویان این گزارش‌ها نیز روی داده است؛ چراکه در گزارشی به ابن عباس نسبت داده شده است که آیه تطهیر در باره همسران پیامبر است؛ حال آنکه خود وی روایت کرده که این جمله در شأن آل کسا نازل شده است

(همان: ۱۹۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/۵۰-۵۱). همین تناقض، در انتساب گزارش مربوط به همسران پیامبر، درباره روایت کلبی وجود دارد (شوکانی، بی تا: ۴/۲۷۸-۲۷۹). این نشان می‌دهد که امثال ابن عباس و کلبی از این سخنان میرا هستند و دست ناپاک جاعلان در این روایات ساختگی هویداست؛ آنان که چنین گزارش‌هایی را ساخته و به بزرگانی چون ابن عباس نسبت داده‌اند.

همین مسئله سبب بی توجهی مفسران به این گونه گزارش‌ها شده است. همان گونه که اشاره شد، مفسر بزرگ جهان اسلام، طبری، در برابر شمار بسیاری از روایات مربوط به آل کسا، به تک گزارشی اشاره می‌کند و می‌گذرد. اینها، همه، قراین و شواهدی بر سستی و ضعف این دست روایت نماها هستند.

۲-۳. روایات بیانگر مفهوم اهل البیت

واژه اهل البیت به معنای اهل و ساکنان خانه است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱/۲۸) و تا زمان نزول آیه تطهیر، در معنای ویژه‌ای علم نشده بود. گزارش‌های حدیثی فراوانی در کتب تفسیری و روایی اهل تسنن و شیعه درباره مفهوم اهل البیت نقل شده‌اند که نشان می‌دهند مراد از اهل بیت، خصوص خانواده امیرمؤمنان است. بر اساس این روایات، پیامبر ماه‌ها، هنگام گذر از کنار خانه حضرت فاطمه (ع) آنها را با واژه اهل البیت خطاب می‌کرد. ابوحمراء می‌گوید:

«در زمان پیامبر، به مدت شش ماه نگهبان شهر بودم و در این مدت می‌دیدم که پیامبر هنگام طلوع فجر، در خانه علی و فاطمه می‌آمد و می‌فرمود: «الصلوة الصلوة یرحمکم الله، إِنَّمَا یریدُ اللهُ لِیذهبَ عنکمُ الرجسَ أَهلَ البیتِ وَیطهِّرکمُ تطهیراً، شما را به نماز سفارش می‌کنم؛ خداوند شما را در سایه رحمت خویش قرار دهد؛ همانا خداوند می‌خواهد آلودگی را از شما اهل بیت دور کند و شما را به نیکی، پاک گرداند».

(طحاوی، ۱۳۳۳ق: ۱/۳۳۸-۳۳۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۵/۱۹۸).

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۷۳

بی تردید پیامبر هرگز این رفتار ویژه را بیهوده انجام نمی داد، بلکه در پی شناساندن اهل بیت خود بود. بنابراین اهل بیت، خصوص همین مخاطبان پیامبر (اهل خانه حضرت علی و فاطمه) بود و نه دیگران؛ چراکه پیامبر نفرمود که اینان جزو اهل بیت هستند، بلکه آنان را همان اهل بیت خود معرفی کرد. همچنین براساس گزارش‌های روایی بسیاری، حضرت رسول بر تک‌تک نام‌های اهل بیت خود تصریح کرده است. برای نمونه در جریان مباحثه، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و فاطمه و حسن و حسین را با نام فرا خواند و فرمود: «اینان اهل من هستند» (نیشابوری، بی‌تا: ۱۲۱/۷؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۱۸۵/۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۴/۴؛ ۳۰۲/۵؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۱۵۰/۳؛ بیهقی، بی‌تا: ۶۳/۷). این روایت نیز با بیانی که گذشت بر حصر اهل بیت در خانواده حضرت فاطمه دلالت دارد.

این اهتمام ویژه پیامبر در معرفی اهل بیت خود، دغدغه ایشان برای ثبوت و تأکید و رسوخ این اصطلاح در میان مسلمانان را می‌رساند. حضرت رسول با پیگیری مستمر این شیوه، قصد ابهام‌زدایی از این مسئله را داشت تا مسلمانان در این باره دچار تردید نشوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اگر رسول الله صلی الله علیه و آله سکوت می‌کرد و اهل خود را مشخص نمی‌ساخت، آل عباس و آل عقیل و بسیاری دیگر آن را ادعا می‌کردند. لیک خداوند در کتابش جمله *إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ* ... را نازل کرد و علی، حسن، حسین و فاطمه مرجع این آیه بودند. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه، دست آنان را گرفت و زیر کسا برد و گفت: پروردگارا، هر نبی را ثقل و اهلی است و اینان ثقل و اهل من هستند» (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۱۰-۱۱۱).

این روایت در تفسیر فرات کوفی گزارش شده که سند آن، به صورت معنعن از امام صادق علیه السلام روایت شده است؛ اما در این سند، راویان به صورت تک تک ذکر نشده‌اند که این خللی به سند این روایت وارد نمی‌سازد. توضیح آنکه در بخش آغازین تفسیر فرات کوفی، سلسله سند روایات به صورت متصل آمده، اما در ادامه و از حدیث چهل به بعد، برای اختصار، سلسله سند حذف شده و به عبارت معنعن عن... بسنده شده است. این نشان می‌دهد که نخست فرات کوفی سلسله سند این روایات را به صورت متصل آورده بوده است؛ اما بعدها نسخه‌برداران برای اختصار، سلسله را حذف و تنها عبارت معنعن را نقل کرده‌اند تا نشان دهند که این روایت سندی متصل و مسند داشته است.

شاهد بر این اعتبار روایات این کتاب، اعتماد و استناد روایت بسیاری از قدما از این کتاب است؛ از جمله صدوقین (پدر و پسر)، حاکم حسکانی (صاحب شواهد التنزیل) و علامه مجلسی در بحار الانوار (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۹/۴).

البته از دو نکته نباید چشم پوشید: یکی آنکه این روایت با روایات فراوان دیگر پشتیبانی می‌شود که این خود قرینه‌ای بر صحت و اعتبار این روایت است؛ دوم آنکه متن حدیث قرینه‌ای دیگر بر پذیرش یا رد حدیث است و سازگاری متن روایت با مسلمات دیگر شریعت، ملاکی برای اعتبار آن است که این روایت نیز از این ویژگی برخوردار است. افزون بر این، کلینی مضمون همین روایت را از طریقی دیگر، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۶/۱-۲۸۷). کلینی با سند صحیح متصل و مسند از علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی از یونس و علی بن محمد از سهل بن زیاد ابی سعید از محمد بن عیسی از یونس از ابن مسکان از

ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است. راویان این سند همگی ثقه و امامی هستند و سلسله سند تا امام، متصل است.

۳-۳. روایات مانع

در بسیاری از گزارش‌های روایی، افزون بر تصریح به بازگشت اهل بیت به پنج تن آل کسا، همسران پیامبر صلی الله علیه و اله از دایره این واژه خارج شده‌اند. این روایات تصریح می‌کنند که حضرت رسول در تبیین اصطلاح اهل بیت، از ورود عایشه، ام سلمه و دیگر همسران خود در زمره اهل بیت جلوگیری کرد. برای نمونه در روایتی آمده که عایشه از پیامبر پرسید: آیا من از اهل بیت تو هستم؟ و پیامبر فرمود: کنار بایست که تو بر خیر هستی (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۸/۴۳).

در نقل دیگری آمده است که زینب بنت جحش قصد رفتن در زیر کسای اهل بیت را داشت، اما پیامبر مانع شد و فرمود: «در جای بایست که به خواست خدا بر خیر هستی» (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/۵۳). ام سلمه نیز از پیامبر در این باره پرسید که حضرت فرمود: «در جای خودت باش و تو به خواست خدا، بر خیر هستی» (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۵/۱۹۸). این دسته روایات، صحت گزارش‌های شمول آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر را با مشکلی جدی روبه‌رو می‌سازد و آنها را از درجه اعتبار ساقط می‌کند.

طحاوی (م ۳۲۱ق) از علمای مشهور حنفی مذهب اهل سنت پس از نقل روایت‌های مانع می‌گوید: «این روایت‌ها نشان می‌دهند که حتی ام سلمه مراد جمله تطهیر نبوده، بلکه مراد از آن، تنها رسول خدا صلی الله علیه و اله علی، فاطمه، حسن و حسین بوده‌اند» (طحاوی، ۱۳۳۳ق: ۱/۳۳۶).

روایات مانع را صاحبان صحاح و مسانید و بزرگان اهل تسنن، به صورت متضافر و از چندین طریق، گزارش کرده‌اند؛ از جمله احمد بن حنبل (بی‌تا: ۲۹۲/۶ و ۳۰۴) که آن را از چهار طریق نقل می‌کند. همچنین اند ترمذی (۱۴۰۳ق: ۳۰/۵ و ۳۲)، ابویعلی (۱۴۰۸ق: ۴۵۱/۱۲)، طبری (۱۴۱۲ق: ۷/۲۲)، حسکانی (۱۴۱۱ق: ۸۶/۲، ۱۰۰-۱۳۰)، واحدی نیشابوری (۱۴۱۱ق: ۳۶۹)، ابن عساکر (۱۴۱۵ق: ۲۰۴/۱۳-۲۰۷؛ ۱۳۸/۱۴-۱۴۱). این روایات نیز به طرق گوناگونی گزارش شده‌اند. برای نمونه روایت ام سلمه از هشت طریق معتبر نزد اهل سنت و شیعه نقل شده است (ری شهری، ۱۳۷۵: ۲۷-۳۳).

افزون بر این، سند این روایات نیز نزد اهل تسنن معتبر و صحیح شمرده می‌شوند. برای نمونه حاکم نیشابوری در موسوعه المستدرک، پس از نقل حدیث ام سلمه می‌گوید: «این حدیث بنا بر شرط بخاری، صحیح می‌باشد» (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۴۱۶/۲).

۴- بررسی مصدافی روایات مربوط به همسران پیامبر

در برابر روایات انبوه مربوط به پنج تن آل کسا، تک گزارش‌هایی درباره نزول آیه تطهیر درخصوص همسران پیامبر نقل شده است. ابن عباس، عکرمه، سعید بن جبیر، مقاتل بن سلیمان، عروه بن زبیر و کلبی راویانی هستند که این گزارش به آنان نسبت داده شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸/۵؛ شوکانی، بی‌تا: ۲۷۸/۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۴۸۹/۳). این گزارش‌ها بر دو دسته‌اند: سخنان اجتهادی و گزارش روایی. آنچه به کلبی، مقاتل بن سلیمان و عروه بن زبیر نسبت داده شده، صرف اجتهادهایی‌اند که هیچ‌گونه پیش‌توانه‌ای از حیث مستند روایی ندارند.

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۷۷

از طرفی، این سه راوی در زمره تابعان شمرده می‌شوند. مقاتل بن سلیمان متوفای ۱۵۰ قمری است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷ق: ۲۸۴/۱۰). عروه بن زبیر در طبقه دوم روات قرار دارد و در سال پایانی خلافت عثمان به دنیا آمد (شمس‌الدین ذهبی، بی تا: ۶۲/۱). کلبی نیز در زمره مفسران پس از دوره تابعان است و در سال ۲۰۴ وفات یافت (قمی، ۱۹۷۰م: ۱۱۹/۳).

بنابراین هیچ یک از سه راوی یادشده نمی‌توانند شاهد نزول باشند و سخنان آنان در این باره می‌بایست مستندی همراه داشته باشد. این در حالی است که سخنان منسوب به این سه راوی، مستندی پذیرفتنی ندارد. برای نمونه از مقاتل بن سلیمان چنین نقل شده است: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَعْنِي نِسَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَنْهِنَّ فِي بَيْتِهِ؛ مَنْظُورٌ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي آيَةِ التَّطَهْرِ، خُصَّصَ لِهَمْسَرَانِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيُحَيِّدَهُمَا عَنْ بَيْتِهِ» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۴۸۹/۳).

در این زمینه به همین استدلال (زندگی در خانه پیامبر) بسنده شده است. نیز عروه بن زبیر بی هیچ مستند روایی، گفته که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، همسران پیامبر است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۶۰۳/۵). این ادعاهای بی مستند چیزی جز اجتهاد در برابر نص صریح پیامبر نیستند و از این رو استنباطها و ادعاهایی بی اساس و اعتمادناپذیرند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت می‌فرماید: «آیه تطهیر در شأن پنج نفر نازل شد: من، علی، حسن، حسین و فاطمه» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۵/۲۲). بی تردید، با وجود نص پیامبر، اجتهادهای یادشده ارزشی ندارند.

این سخن پیامبر از طرق گوناگون نقل شده است؛ از جمله ابن جریر آن را از محمد بن مثنی از بکر بن یحیی بن زبان عنزی از مندل از اعمش از عطیه از ابوسعید خدری نقل می‌کند. برخی از اهل سنت این حدیث را حدیثی منفرد از عطیه شمرده

هاند و وی را نیز تضعیف کرده‌اند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۳۶۸، پاورقی ۷۳۱)؛ این در حالی است که عطیه از تابعان شناخته شده است (ذهبی، بی‌تا: ۷۹/۳-۸۰). ابن حجر می‌گوید: او فردی ثقه است و احادیثی قابل استناد دارد. ابن معین می‌گوید: «احادیث او درست‌اند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷ق: ۲۰۱/۷). سیوطی می‌گوید: «حدیث او سست نیست و ترمذی روایت او را نیکو شمرده است» (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۴۷۲/۲). با وجود این، ابن حجر می‌گوید که برخی احادیث او را حجت نمی‌دانند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷ق: ۲۰۱/۷).

سرّ رویکرد برخی اهل سنت نسبت به او نیز در تشیع او نهفته است. ساجی می‌گوید: «حدیث او حجیت ندارد و فرد قابل اعتمادی نیست؛ او علی را بر همه ترجیح می‌داد» (ر.ک: همان: ۲۰۲). شواهد نشان می‌دهد منشأ ضعیف شمردن او نزد برخی، تشیع اوست و چنین تضعیفی ارزشی ندارد. از این رو روایت یادشده دارای اعتبار سندی است. از سویی این حدیث تنها از طریق عطیه نقل نشده، بلکه چنان که پیش از این گذشت، این حدیث و روایات هم مضمون آن، از طرق مختلف اهل تسنن و تشیع نقل شده‌اند.

نمونه دیگر از تصریحات پیامبر بر نام یکایک اهل بیت خود، روایتی است که ترمذی نقل می‌کند. وی از حاتم بن اسماعیل از بکیر بن مسمار از عامر بن سعد از سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند که پیامبر پس از نزول آیه «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ» (آل عمران/۶۱) علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و گفت: «خدایا، اینان اهل من هستند» (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۳/۴-۲۹۴). راویان این حدیث همگی نزد اهل تسنن ثقه و معتبرند. حاتم بن اسماعیل فردی درست‌نگار و ثقه است. احمد بن حنبل می‌گوید: «روایات او درست و وی فردی ثقه و مورد

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۷۹

اطمینان است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷ق: ۱۱۰/۲). بکیر بن مسمار نیز جزو ثقات شمرده شده است (عجلی، ۱۴۰۵ق: ۲۵۴/۱). عامر بن سعد و پدرش، سعد بن ابی وقاص نیز در کتب رجالی، ثقة معرفی شده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م: ۴۶۰/۱؛ همو، ۱۳۲۷ق: ۳۴/۱).

براین اساس روایت یادشده روایتی حسن و صحیح است؛ چنان که ترمذی به صحت آن تصریح کرده است (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۴/۴). به علاوه این روایت در کتب معتبر روایی و تفسیری اهل تسنن به صورت متضافر نقل شده است؛ از جمله در صحیح مسلم (۱۸۵/۱؛ ۱۲۰/۷)، المستدرک (۱۴۷/۳ و ۱۵۰) سنن بیهقی (۶۳/۷)، شواهد التنزیل (۳۸-۴۷/۲) و تاریخ مدینه دمشق (۱۴۷/۱۴). کثرت نقل این روایت در کتب روایی معتبر، جایی برای تردید در صحت آن باقی نمی‌گذارد.

سخن اجتهادی منسوب به کلبی درباره شأن نزول آیه تطهیر را نیز به همین دلیل صراحت پیامبر در معرفی اهل بیت نمی‌توان پذیرفت. همچنین وی (که از خواص امام صادق علیه‌السلام بود) خود درباره نزول جمله تطهیر در شأن پنج تن آل کسا روایت کرده است (شوکانی، بی‌تا: ۲۷۹/۴). چگونه می‌توان پذیرفت که یک راوی خبیر دو گونه سخن بگوید و با وجود نقل روایت درباره آل کسا، خود سخنی متعارض با آن بگوید؟ از این رو به طور قطع سخن اجتهادی منسوب به کلبی (با توجه به مقام و مکانت وی نزد امام صادق علیه‌السلام) بر وی بسته شده است.

گزارش منسوب به سعید بن جبیر هم از ابن عباس نقل شده است و خود سعید بن جبیر شأن مستقلی در این باب ندارد. از این رو روایت او و ابن عباس به یک روایت باز می‌گردد. بنابراین از گزارش‌های یادشده، تنها گزارش منسوب به ابن

عباس و عکرمه باقی ماند که مهم‌ترین مستند مخالفان در تفسیر جمله تطهیر قرار گرفته است. از این رو این گزارش جای بررسی و تأمل بیشتری دارد.

به ابن عباس چنین نسبت داده شده است که جمله تطهیر، در خصوص همسران پیامبر نازل شده است و بس. از عکرمه نیز نقل شده است که در بازار فریاد می‌زد که *إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهَّرَكُمُ تَطْهِيرًا* درباره همسران پیامبر نازل شده است. همچنین می‌گفت: «هر کس بخواند، در این باره با او مباحله می‌کنم» (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸/۵).

این روایات نماها در برابر چند پرسش و نکته اساسی قرار دارند که در صورت پاسخ‌گویی به آنها، می‌توان اینها را پذیرفت؛ وگرنه باید طرد شوند:

۱. همان‌گونه که یاد شد، ابن عباس درباره نزول جمله تطهیر در شأن پنج تن آل کسا روایت کرده است و این روایت در کتب فریقین گزارش شده است (برای نمونه رک: حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۵۰/۲ - ۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۷ - ۳۵). در یکی از روایات، یحیی بن حماد از ابوعوانه از یحیی بن سلیم ابی بلج از عمرو بن میمون از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا حسن و حسین و علی و فاطمه را فرا خواند و بر آنها پارچه‌ای کشید و گفت: «خدایا اینان اهل بیت من هستند» (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۵۰/۲). سند این روایت نزد اهل تسنن معتبر است و تک تک راویان آن را ثقه شمرده‌اند. یحیی بن حماد ثقه است و بیشترین روایت را از ابوعوانه دارد (عجلی، ۱۴۰۵ق: ۳۵۱/۲). احادیث ابوعوانه بهترین احادیث شمرده شده‌اند (مزی، ۱۹۸۵م: ۴۴۶/۳۰). یحیی بن سلیم ابی بلج دارای احادیث درست و بی‌اشکال است. ابوحاتم درباره او می‌گوید: «وی دارای احادیث صحیح می‌باشد و اشکالی در روایاتش نیست» (رازی، ۱۹۵۲م: ۱۵۳/۹). عمرو بن میمون کوفی و تابعی نیز ثقه است (عجلی، ۱۴۰۵ق: ۱۸۶/۲).

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۸۱

سلسله این راویان نیز متصل است؛ یعنی میان طبقات راویان فاصله زمانی‌ای که موجب انقطاع سند شود، وجود ندارد. یحیی بن حماد متوفای ۲۱۵ق (ابی حاتم، ۱۹۷۳م: ۲۵۷/۹) ابو‌عوانه متوفای ۱۷۶ق (همان: ۵۶۳/۷) و یحیی بن سلیم ابی بلج در طبقات راویان، حلقه واسط میان طبقه ابو‌عوانه و عمرو بن میمون است؛ به گونه‌ای که ابو‌عوانه به طور مستقیم از یحیی بن سلیم، و یحیی بن سلیم به گونه مستقیم از عمرو بن میمون روایت نقل کرده‌اند (مزی، ۱۹۸۵م: ۱۶۳/۳۳). عمرو بن میمون نیز متوفای ۷۵ق است (شمس‌الدین ذهبی، بی تا: ۶۵/۱) و می‌توانسته به طور مستقیم از ابن عباس متوفای ۶۸ق (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م: ۱۳۱/۴) روایت کند.

بنابراین با سند قطعی و صحیح از ابن عباس نقل شده که آیه تطهیر در شأن آل کسا نازل شده است. حاکم نیشابوری این مطلب را از ابن عباس در روایتی طولانی و با همین اسناد گزارش می‌کند و در پایان آن می‌نویسد: این روایتی صحیح الاسناد است. (حاکم نیشابوری، بی تا: ۱۳۴/۳)

آیا می‌توان پذیرفت که یک صحابی بزرگ دو گونه روایت متعارض داشته باشد؟ آیا پذیرفتنی است که ابن عباس برخلاف نص پیامبر و بسیاری از صحابه جلیل‌القدر و نیز روایت خودش، به گونه‌ای دیگر نیز روایت کند؟ آیا هیچ انسان خردمندی چون ابن عباس چنین رفتار می‌کند؟

۲. تک گزارش‌های یادشده توان تعارض و رویارویی با انبوه روایات مربوط به

پنج تن آل کسا را - که فریقین نقل کرده‌اند - ندارد؛ چنان که گذشت؛

۳. گزارش منسوب به عکرمه با این پرسش بنیادین روبه‌روست که چرا وی در

بازار چنین جار می‌زده است؟ آیا جای استدلال و اثبات یک مسئله قرآنی، در بازار،

آن هم به شیوه جار زدن است؛ مگر آنکه منطق استدلالی جاعل حدیث چنین باشد. به علاوه این گزارش نشان از دیدگاه غالب در میان مسلمانان (نزول آیه در شأن پنج تن) دارد که برای تغییر آن نیاز به چنین روش‌هایی بوده است؛

۴. گزارش عکرمة از نظر سندی نیز مخدوش است. طبری این روایت را از یحیی بن واضح از اصبع بن نباته از علقمه از عکرمة نقل کرده است. اولاً یحیی بن واضح فردی ضعیف است (ذهبی، بی تا: ۴/۴۱۳)؛ ثانیاً سلسله سند مقطوع است؛ زیرا اصبع بن نباته از طبقة سوم (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م: ۱/۸۱) و یحیی بن واضح از طبقة نهم روایت است (همان: ۲/۳۵۹) و انقطاع زمانی بسیاری میان آنها وجود دارد؛

۵. مشکل بنیادین دیگر گزارش عکرمة و ابن عباس این است که در هیچ یک از صحاح شش گانه و منابع دست اول اهل سنت نقل نشده است. روایت ساختگی منسوب به عکرمة برای نخستین بار در تفسیر طبری نقل شده و پیش از آن در هیچ یک از جوامع معتبر روایی و تفسیری اهل تسنن، اثری از آن نیست. این در حالی است که روایات ناظر به خطاب جمله تطهیر نسبت به پنج تن آل کسا در بسیاری از کتب معتبر و تراز نخست اهل تسنن آمده است؛ از جمله در صحیح مسلم (۲/۱۳۰-۱۳۱)؛ سنن ترمذی (۵/۳۰، ۳۱، ۳۲۹) و مسند احمد (۱/۳۳۱، ۴/۱۰۷؛ ۶/۲۹۲).

اینها همه قرآینی بر ساختگی بودن روایات نماهای یادشده‌اند. اساساً چنین سخنی از ابن عباس در برابر روایات ۴۹ صحابی و همسران پیامبر، بعید می‌نماید. چرا باید وی روایتی را نقل کند که برخلاف گفتار جمهور صحابه و بزرگان تراز نخست است؟ درباره عکرمة نیز برخی درصدد آن برآمده‌اند که وی را دشمن اهل بیت جلوه داده، او را تضعیف کنند (عاملی، ۱۳۸۶ش: ۱۰۸؛ سبحانی، بی تا: ۱۰/۱۴۳). به نظر می‌رسد این داوری درباره عکرمة جای درنگ بیشتری داشته

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۸۳

باشد؛ چراکه وی دانش آموخته و از خواص ابن عباس بود. امکان ندارد ابن عباس، که از شیفتگان مقام ولایت بود، شاگردی پیروانند که درست در خلاف خط او حرکت کند و این جرئت را به خود بدهد که روایتی برخلاف روایت امیر مؤمنان، ابن عباس و همه صحابه و همسران پیامبر بسازد (معرفت، ۱۳۸۸ش: ۱۲۱).

همچنین بنا بر گزارش‌های تاریخی، عکرمة سرسپرده آستان امام باقر علیه‌السلام شمرده می‌شد. امام باقر علیه‌السلام هنگامی که شنید عکرمة لحظات پایانی عمرش را می‌گذراند، بر بالین وی شتافت (کلینی، ۱۳۶۷ش: ۱۲۳/۳) که این نشان از جایگاه والای او نزد امام دارد. چنان که اشاره شد در این روایت آمده است که عکرمة سرسپرده آستان امام باقر علیه‌السلام بود و همین مؤید آن است که وی از اصحاب خاص امام بود. یکی از شواهد بر این مدعا، آن است که والی مدینه در پی عکرمة بود و او پنهان شده بود (ابن سعد، بی‌تا: ۲۹۳/۵)، ولی امام باقر علیه‌السلام و یاران خاص وی جای او را می‌دانستند که این دلیلی بر آن است که وی از نزدیکان مورد اعتماد حضرت بوده است.

البته در همین روایت، غلامی که خبر را آورد، می‌گوید: «عکرمة معتقد به دیدگاه‌های خوارج بود و چه بسا، از این تعبیر، انحراف عکرمة برداشت شده است. این برداشت نارواست؛ چراکه اولاً این سخن را امام نفرموده است، بلکه غلام می‌گوید و آن هم به سبب شایعات رایج در آن زمان بوده است؛ زیرا کینه‌ورزان علیه عکرمة شایع کرده بودند که او گرایش به خوارج دارد. این تهمت به سبب سفرهای مختلف او به شمال آفریقا بود که خوارج در آن دیار، فراوان بودند» (معرفت، ۱۳۸۵ش: ۳۲۷/۱).

این تهمت را نیز بسیاری از دانشمندان رجال رد کرده‌اند و با اعتماد به روایات وی، او را ثقه شمرده‌اند. از جمله عجلی می‌نویسد: عکرمة مولى ابن عباس، مکی تابعی ثقه است و از تهمت حروری (گروهی از خوارج) میراست (عجلی، ۱۴۰۵ق: ۱۴۵/۲)؛ ثانیاً چگونه می‌توان پذیرفت که شخصی جزو منحرفان خوارج باشد و در عین حال، سرسپرده آستان امام باقر علیه‌السلام؛ به گونه‌ای که امام بر بالین وی بشتابد؟! بنابراین ادعای غلام را نمی‌توان پذیرفت؛ به ویژه با توجه به تصریح روایت به سرسپردگی او به امام و رفتار امام هنگام شنیدن خبر احتضار وی.

همچنین در همین روایت آمده که امام برای تلقین شهادت به توحید و ولایت بر بالین وی شتافته است و می‌فرماید: «تلقین را به اموات خود بیاموزید. این تصریح امام نشان می‌دهد که عکرمة را از خود می‌دانسته است نه تابع آرای دیگران؛ وگرنه سخن پایانی امام با کردار ایشان تناسبی نداشت» (معرفت، ۱۳۸۵ش: ۳۳۲/۱).

بنابراین غرض و رزان، روایاتی در باب نزول آیه تطهیر در شأن خصوص همسران پیامبر ساخته‌اند و آنها را به کسانی چون ابن عباس و عکرمة نسبت داده‌اند. شاید اشتباهشان همین باشد که چنین دروغی را از زبان شیفتگان مولا امیر مؤمنان نقل کنند تا سخنشان، خود، شاهی بر کذبشان باشد.

نتیجه‌گیری

بنابر روایات شأن نزول، جمله تطهیر در شأن خاندان ویژه پیامبر نازل شده است: علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام. در این میان، معدود گزارش‌هایی درباره نزول این جمله در شأن خصوص همسران پیامبر یا فراگیری جمله تطهیر نسبت به همسران پیامبر نقل شده است که این گزارش‌ها توان رویارویی با روایت کثیر و

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۸۵

متضافر منقول از صحابه تراز نخست و نیز همسران پیامبر را ندارند. از دیگر سو، بنابر گزارش‌های روایی، پیامبر واژه اهل بیت را برای خصوص این خاندان ویژه علم کرده بود. نیز خود همسران پیامبر گزارش کرده‌اند که به فرمایش پیامبر، آنها از دایره شمول جمله تطهیر خارج‌اند. مهم‌ترین گزارش درباره نزول جمله تطهیر در خصوص همسران پیامبر، گزارش ابن عباس و عکرمه است که برای نخستین بار در تفسیر طبری کانون توجه قرار گرفته است.

این گزارش در هیچ یک از منابع دست اول معتبر روایی و تفسیری متقدم اهل تسنن نقل نشده است؛ افزون بر اینکه سند این گزارش نیز مخدوش است. از دیگر سو روایات معتبر و مستند فراوانی در کتب روایی فریقین درباره نزول جمله تطهیر در شأن پنج تن آل کسا آمده است. همچنین خود ابن عباس این شأن نزول را روایت کرده است. این قراین و نیز شخصیت و جایگاه ابن عباس و عکرمه، نشان دهنده ساختگی بودن گزارش‌های مربوط به همسران پیامبر هستند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین، (۱۴۰۳ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء.
۳. ابن بطریق، (۱۴۰۷ق)، العمده، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۲۷ق)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار صادر.
۵. _____، (۱۹۹۵م)، تقریب التهذیب، چاپ دوم، بیروت:

دارالمکتبه العلمیه.

۶. _____، (۱۹۹۵م)، الاصابه، بیروت: دار الکتب اللبنانیه.
۷. ابن حنبل، احمد، (۱۴۲۵ق)، فضائل الصحابه، تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۸. _____، (بی تا)، مسند احمد، بیروت: دار صادر.
۹. ابن سعد، (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۱۰. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبئه الله، (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دار الفکر.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر ابن کثیر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۱۳. ابی حاتم، محمد بن حبان، (۱۹۷۳م)، الثقات، هند: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۱۴. بیهقی، ابوبکر احمد، (بی تا)، سنن بیهقی، بیروت: دار الفکر.
۱۵. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۰۳ق)، سنن ترمذی، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، تفسیر ثعلبی، (تحقیق ابی محمد بن عاشور)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۲ش)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، (بی تا)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفه.
۱۹. حسکانی، عبیدالله بن احمد، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۰. حسینی استرآبادی، سیدشرف الدین علی، (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهره، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت بغدادی، (بی تا)، تاریخ بغداد، قاهره.
۲۲. ذهبی، ابوعبدالله، (بی تا)، میزان الاعتدال، بیروت: دارالمعرفه.

تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین ۸۷

۲۳. رازی، ابن ابی حاتم، (۱۹۵۲م)، الجرح و التعديل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰ق)، تفسیر کبیر، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. ری شهری، محمد، (۱۳۷۵ش)، اهل البیت فی الكتاب والسنة، چاپ دوم، قم: دارالحدیث.
۲۶. سبحانی، جعفر، (بی تا)، مفاهیم القرآن، نرم افزار کتابخانه اهل بیت علیه السلام.
۲۷. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۸. _____، (۱۴۲۱ق)، الاتقان، چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۹. شمس الدین ذهبی، ابو عبدالله، (بی تا)، تذکره الحفاظ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. شبلنجی، مؤمن بن حسن، (بی تا)، نور الابصار فی مناقب آل البیت النبوی المختار.
۳۱. شوکانی، محمد بن علی، (بی تا)، فتح القدير، بیروت: عالم الکتب.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۳۳. طحاوی، ابو جعفر، (۱۳۳۳ق)، مشکل الآثار، هند: مجلس دائره المعارف النظامیه.
۳۴. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۸۶ش)، اهل بیت در آیه تطهیر، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب.
۳۵. عجلی، احمد بن عبدالله، (۱۴۰۵ق)، معرفه الثقات، مدینه منوره: مکتبه الدار.
۳۶. قمی، عباس، (۱۹۷۰م)، الکنی و الالقاب، نجف: المطبعه الحیدریه.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، چاپ چهارم، قم: دار الكتاب.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۹. _____، (۱۳۶۷ش)، فروع کافی، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات کوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. مزی، ابوالحجاج، (۱۹۸۵م)، تهذیب الکمال، چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه الرساله.

۸۸ دو فصلنامه تفسیر پژوهی

۴۳. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۵ش)، تفسیر و مفسران، چاپ دوم، قم: تمهید.
۴۴. _____، (۱۳۸۸ش)، پرتو ولایت، چاپ دوم، قم: تمهید.
۴۵. مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. مظفر، الشیخ محمد حسن، (۱۳۹۶ هـ / ۱۹۷۶م)، دلائل الصدق، قاهره: دارالعلم.
۴۷. موصلی، ابو یعلی، (۱۴۰۸ق)، مسند ابی یعلی، دمشق: دار المأمون للتراث.
۴۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر.
۴۹. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، (۱۴۱۱ق)، اسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۰. هیثمی، احمد بن حجر، (۱۹۶۵م)، الصواعق المحرقة، چ دوم، مصر: مکتبه قاهره.

